

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد حضرت مقصودی را لایق و سزااست که از حرکت قلم اعلی اهل ناسوت انشاء را مسخر نمود و از کوثر مکنون آن عظام رمیمه را به حیوة جدیده بدیعہ فائز فرمود تعالی تعالی فضله و تعالت رحمته و تعالت عظمتہ و سلطنتہ من یقدر ان یحصی بدائع عنایاتہ و جوامع اوامره و الطافہ هو الّذی جعل کلمة من کلماتہ علم الهدایة من عنده و رایة امره بین عبادہ و بها اظهر القیمة و اسرارها و السّاعة و اشراطها طوبی لعارف عرف ما ظهر من عنده و لعالم شاهد ما اشرق من افق سمآء جوده البهآء و الذکر و الثناء علی اولیآئہ واصفیآئہ الّذین سمعوا ندآئہ الاحلی و فازوا بکلمة بلی بلی یا فاطر السّمآء و مالک ملکوت الاسمآء اولئک عباد فائزون و عباد مکرمون و عباد مستقیمون و هم انصار اللّہ و ایادی امره و مطالع اسمآئہ الحسنی و صفاتہ اخذوا الرّحیق من ید عطآئہ رغماً لاعدآئہ و شربوا باسمه امام وجوه خلقه انه هو مؤید اولیآئہ و مشید ارکان امره و رافع احبآئہ و مظهر مقاماتہم و شئونہم فی مملکتہ انه هو القویّ الغالب العلیم الحکیم.

دستخط عالی با ارمغان بیان و معانی به این خادم فانی رسید فی الحقیقہ ہر کلمہ اش کآسی بود مملو از سلسبیل محبت و وداد چہ کہ مزین بود بہ ذکر و ثنای مالک ایجاد

و مولى العباد مكرّر قرائت شد و از هر كره عرف جديدي به مشام حقيقي رسيد سبحان الله نفحاتش بساط سرور گسترد و فوحاتش فرحى مقدّس از مقام عباد آورد و بعد قصد جنّة عليا و فردوس اعلى نموده امام مولى الورى عرض شد و به شرف اصفا فائز گشت اذّ ماج بحر بيان ربّنا الرّحمن و نطق مكلم الطّور اذ كان مستويّاً على عرش الظّهور بما ظهر به كنوز العرفان فى الامكان امام وجوه الاديان و نادى المناد من شطر السّجن اسمعوا ندآء الله المرتفع من اعلى المقام قوله تبارك و تعالى:

هو النّور اللّامع السّاطع من افق سماء العرفان

م ح افرح بما اراد ان تتحرّك على ذكرك يراعة الله المهيمن القيوم ذكرناك مرّة بعد مرّة و ارسلنا اليك الواحاً شتى الّتى ماج فى كلّ كلمة من كلماتها بحر بيان ربّك المهيمن على الغيب و الشّهود و لاحت من آفاقها شمس المواهب و اللطاف ان ربّك يريد من اراده و يحبّ من احبه و يذكره بما يبقى به اسمه و اثره بدوام الملك و الملكوت انّ المظلوم يذكرك فى بحبوحة الاحزان فضلاً من عنده عليك لتشكر ربّك مالك الوجود لم يمنعه ظلم الاعداء و لا سطوة كلّ أمر محجوب كنا مستويّاً على اريكة العدل ورد العبد الحاضر بكتابتك و قرأه امام الوجه وجدنا منه عرف خضوعك و خشوعك و توجّهك الى الله ربّ هذا المقام المحمود طوبى لاذنك ممّا سمعت ندآء الله و لعينك بما فازت بمشاهدة آثاره و للسانك بما نطق بثنائه بين عباده ان ربّك هو الحقّ علّام الغيوب اشهد انه بالبلاء رفع اسمه الابهى و اظهر ما كان مكنوناً فى كنز علمه العزيز المحبوب انا امرنا الكلّ بالامانة و الديانة و الصّدق و الوفاء من النّاس من نبذ امر الله ورآئه و ارتكب ما ناح به المقربون اخذ البغى و الفحشاء و نبذ البرّ و التّقوى و نطق بمفتريات ما سمعت اذن الدّنيا

شبهها يشهد بذلك من ينطق في هذا البيت المعمور قل:

الهي الهى ترى اغنامك بين ذئاب الارض و امنائك تحت برائن الخيانة اى ربّ اسئلك
ببحر آياتك و انوار فجر ظهورك و بندائك الذى جعلته كوثر الحيوان لاهل الامكان و
باسمك الذى به اضطربت افئدة الاديان ان تزيّن عبادك بطراز الصدق و الانصاف وفقهم
على هداية ما فات عنهم عند تجلّيات انوار شمس ظهورك ثم ايدهم على الرجوع الى
بساط عفوك و غفرانك و القيام لدى باب جودك و كرمك اى ربّ خلّص عبادك من ظلم
الظالمين و سطوة المعرضين ثم احفظهم بجنود الغيب و الشّهادة انك انت المقتدر على ما
تشاء و المهيمن على الاشياء لا اله الا انت الفيّاض الفضال العليم الخبير.

يا ايّها الشّارب رحيق بيانى قد سمعت ندائى الاحلى باللّغة الفصحى و نحبّ ان نذكرك
باللّغة النورآء لازال اين مظلوم در دست اعدا بوده وارد آوردند آنچه را كه جز حقّ از
احصاء آن عاجز و قاصر اين ايام ذئاب ارض احاطه نموده و در سرّ سرّ به ضرّ اين
مظلوم مشغول ولكنّ الله يعلم خائنة الاعين و خافية الصدور آنچه در سبيل الهى وارد
شود محبوب است كلمه يعقوب را به لا ملحق نموديم اگرچه اين ايام من غير ناصر و
معين مشاهده ميشويم سوف يبعث الله كنائز ارضه و يظهر خزائنها و آن رجالي هستند كه
مبعوث ميشوند به نصرت نبأ عظيم به شأنى كه هيچ منعى و هيچ سدى حائل نشود
ايشانند مشارق قدرت و مظاهر قوت الهى هيچ امرى از امور اين جواهر لامعه مشرقه را
منع نكند و ستر نمايد سبحان الله اهل بيان الى حين نفحات يوم را ادراك ننموده اند،
احجب از حزب قبل مشاهده ميشوند. قل:

اسئلك يا مالك ملكوت الاسماء وفاطر السماء بمصباحك الذي ما اراد الا اصلاح العالم
وما اتخذ لنفسه زجاجاً ولا بلوراً ولا حافظاً دونك ان تنور افئدة عبادك بنور معرفتك و زين
رووسهم باكاليل العدل والانصاف. اي رب ترى الظالمين اتحدوا في تضييع امرك و
مقامات امنائك اسئلك بارادتك المحيطة و مشيتك النافذة ان تحفظهم من شر هولاء الذين
نقضوا عهدك و ميثاقك وكفروا باياتك الكبرى و بيناتك العظمى لا اله الا انت العلي
الابهي.

اوليای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان تکبیری که نفحاتش افئده و قلوب را جذب
نماید و به افق منیر الا رساند و کل را از قبل مظلوم وصیت نما به امانت و دیانت و
تقوی الله مالک الوجود و مربی الغیب و الشهود. مکرر فرمودیم در این ظهور اعظم
نصرت به حکمت و بیان است نه به سیف و سنان در هر حال باید به تألیف قلوب و
اتحاد نفوس مشغول باشند اعمال طیبه جند الله بوده و هست و اخلاق مرضیه هادی
عباد آنچه سبب اجتناب و احتراز عباد است به عز قبول فائز نه و به طراز رضا مزین نه
اگرچه در محرم نقطه اولی از ملکوت اعلی ظاهر البتہ این فقره محبوب جان است و
علت فرح و انبساط و سبب سرور و نشاط و لکن اکثری از عدم آگاهی اگر فرحی در آن
ایام مشاهده نمایند نعوذ بالله حمل بر ضغینه و بغضا کنند لذا از مقتضیات حکمت
حرمت آن یوم لازم چنانچه این مظلوم در عراق در ایام محرم مصائب آن حضرت را
ذکر مینمود و در بعضی از مجالس مصیبت حاضر میشد رحمة للعباد و شفقة لهم و
حضرت اعلی روح ما سواه فداه هم حرمت آن ایام را ملاحظه میفرمودند. آنچه سبب
تقرّب ناس و علت اقبال و توجه است باید به آن تمسک نمود الی ان يظهر الامر لهم
این حکم محکم را به عباد برسانید تا کل آگاه شوند و بما اراده الله تمسک نمایند

البهآء المشرق من افق سمآء رحمتى عليك و على من معك و يحبك و يسمع قولك فى امر
الله المقتدر العليم الحكيم. انتهى

اميد آن كه اولياى الهى با قلوب طاهره مقدسه و جنود مذكوره كه اخلاق و اعمال طيبه
است بر نصرت امر قيام نمايند از افق هر لوحى نير حكمت و بيان مشرق و لائح و كل
به آن مأمورند انشاءالله آن محبوب نفوس غافله را از اوامر و نواهى الهى آگاه نمايند
اگر الى حين بما اراده الله عمل ميشد ايران بل ممالك اخرى هم به نور امر ساطع و
لائح مشاهده ميگشت. اين خادم فانى لازال عرض مينمايد الهى الهى ايد اولياك على
ما يظهر به عنايتك على خلقك و امواج بحر عطائك فى مملكتك اى رب طهر افئدة
المقبليين من كوثر بيانك و قدر لهم ما يزينهم بطراز العدل و الانصاف فى ايامك لا اله الا
انت الفضال العزيز الحكيم.

و اما استدلالية محكمة آن جناب به اصغا فائز و قبول فرمودند لو شاء الله اين ايام
ارسال ميشود و اذن طبع هم از افق بيان طالع. يسئل الخادم ربه ان يفتح بخلوصكم و
خضوعكم و اقبالكم و ذكركم و بيانكم ابواب افئدة الناس انه اله الناس و مربيهم باسمه
المربى الحكيم. صد هزار شكر مقصود عالميان را كه هيچ مقبلى را از تجليات نير
كلامش محروم ننمود و عرض جديد آن محبوب امام وجه مالك ملكوت بيان به شرف
اصغا فائز و به نور قبول منور و مخصوص هر يك از اسامى مذكوره لوح امنع اقدس از
سماء عطا نازل و ارسال شد الحمد لله آن محبوب واسطه فيض فياض گشتند و همچنين
سبب نزول امطار رحمت فضال شدند. امر نزول آيات به شأنى است كه كل از
احصايش عاجز و از جميع جهات در ليالى و ايام عرايض ميرسد و جواب عنايت

میگردد و اگر گاهی تأخیر شود دو جهت دارد اول آن که از فضل حقّ جلّ جلاله آن حضرت در مقام اعلی یعنی اطمینان و ایقان ساکن لذا در تأخیر باسی نه و ثانی کثرت تحریر در جواب عرایضی که بدعاً فائز شده‌اند و البته آن محبوب راضی و شاکرند چه که به مائده های سماوی و نعمتهای حقیقی مکرر فائز گشته‌اند هنیئاً لحضرتکم. وقتی از اوقات این کلمه علیا از لسان مالک ملکوت اسما در ذکر آن جناب استماع شد قوله عزّ بیانیه: یا عبد حاضر جناب میم و حا بر خدمت قیام نموده انا جعلناه ساقی کوثر بیان الله رب العالمین. انتهى

سبحان الله فضل به مقامی است که صاحبان السن و اقلام از عهده ذکرش برنیابند تشهد بذلك اوراق جنان الله المبین العلیم الحکیم. اولیای آن ارض را اگر حکمت اقتضا مینماید و اجازه میدهد از جانب این خادم تکبیر و ثنا برسانید حق آگاه که در اکثری از احیان از مقصود عالمیان میطلبم آنچه را که در امّ الكتاب مخلّد است انه هو السّامع المجیب و هو المقتدر القدير البهاء و الذکر و الثناء علیکم و علی من معکم و یسمع قولکم فی امر الله المهیمن القیوم انا لله و انا الیه راجعون.

جناب حاجی میرزا محمد افشار علیه بهاء الله الأبھی

ای یار قدیم و ندیم دیرین ایامی که در بقعه مبارکه به شرف مثل فائز بودی در خاطر است و انس و الفتی که با تو داشتم در هر دم به یاد آید حلاوت آن ایام از مذاق نرود و رائحه طیبه آن گلشن هر دم مشام معطر نماید فی الحقیقه الطاف رب البریه در حق آن یار مهربان به نهایت رسیده زیرا از صغر سن ایام را به تنبه و تذکر گذراندی و چون به رشد رسیدی انوار صبح صادق از افق مشرق مشاهده فرمودی و از پرتو شمس حقیقت بهره و نصیب یافتی سالک طریق مستقیم بودی و غریق بحر الطاف رب کریم گشتی زبان به برهان گشودی و دلائل لائح و حجج قاطعه بر ظهور جمال موعود اقامه فرمودی رساله استدلالیه نگاشتی و در جمیع ممالک عالم انتشار دادی تحمل مشقات عظیمه کردی و صدمات شدید خورده حتی به شماتت اقربا مبتلا شدی و ملامت اعدا شنیدی باوجود این در نهایت ثبوت و رسوخی.

فماخذتك لومة لائم في امر ربك و لامنعك خشية الملوك و لا ضواء المملوك بل ثبت على الميثاق و تبرئت من اهل النفاق و تجنبت اولى النفاق حباً بنير الآفاق و انجذاباً الى ملكوت الاشرار فهنيئاً لك هذا الكأس الدهاق المتدفقة بصهباء الطاف ربك لاهل الوفاق رب و رجائي و غاية موثلي و منائي هذا عبدك الذي اخلص وجهه لوجهك الكريم و آمن بالنبا العظيم و رتل آياتك بين العالمين و دعى الى النور المبين و هدى الى الصراط المستقيم و اقام الدليل و اروى الغليل و شفى كل عليل يرجو الغفران في جوار رحمتك و يشتاقي مشاهدة انوارك رب اجعل عبدك هذا آية موهبتك بين الوري و علماً يتموج على

صروح المجد باريّاح موهبتك العظمى و طيراً مرفرفاً فى جوّ السّماء و نجماً بازغاً فى افق
الهدى أنّك انت الكريم أنّك انت العظيم أنّك انت الرّحمن الرّحيم.

بواسطه جناب امین

جناب حاجی میرزا محمد افشار علیه بهاء الله الأبھی

ای ثابت بر پیمان حمد کن خدا را که یوم اشراق صبح هدی توجّه به نقطه اولی روحی له الفداء نمودی و در یوم اشراق شمس حقیقت نیر آفاق جمال ابھی روحی لأحبّاته الفداء منجذب آن دلبر آسمانی گشتی و با دلی آشفته و موئی پریشان و گریبانی چاک جام محبت الله به دست گرفته پاکوبان کف زنان غزل خوان در این میدان رقص کنان جولان نمودی و باوجود آن که کلمه‌ای از علوم نخواندی و در مدرسه‌ای تحصیل نکردی و تفنّن در فنون نیافتی لسان فصیح گشودی و بیان بلیغ نمودی کلک مشکین گرفتی و در اثبات حقیّت نور مبین کتاب کافی شافی نگاشتی و در شرق و غرب انتشار دادی و در ساحت اقدس مقبول افتاد و الحمد لله در عهد و پیمان ثابتی و مانند گل و ریاحین در این بهشت برین نابتی یعنی تبلیغ امر الله مینمائی و گمراهان را به سبیل هدی دلالت میفرمائی و به احبّاء رحمان بی‌نهایت مهربانی و در بنای مشرق‌الاذکار در امریکا انفاق مینمائی این است عبودیت آستان مقدّس این است بندگی درگاه احدیت این است وفای با جمال مبارک این است خلوص نیت این است عزّت ابدیه این است سلطنت سرمدیه طوبی لک ثمّ طوبی لک احمد الله و اشکره علی ما جعلک شریکاً و سهیماً لعبدالبهّاء فی عبودیّه عتبتّه العلیا و علیک البهّاء الأبھی.

بواسطة جناب آقا محمد طاهر
حضرت حاجی میرزا محمد افشار علیه بهاء الله الأبهی

ای ثابت بر پیمان عبدالبهاء همواره به ذکر تو مشغول و به فکر تو مألوف هر بامداد به یاد تو افتم و هر شام مشام به محبت یاران معطر نمایم و نشئه صهای مدام یابم ان الأبرار یشربون كأساً کان مزاجها کافورا.

انشاءالله کتابی که در دست داری اتمام مینمائی و به جهت حضرات ابوین آن جناب به درگاه ربّ الأرباب عجز و انابه نمودم و طلب مغفرت بی‌پایان کردم تا در آن بحر بی‌پایان مستغرق گردند و از انوار الطاف مستشرق شوند و عليك البهء الأبهی.